**یاران ایرانی باقرالعلوم علیه السلام**

ورود اسلام به ایران و گرایش ایرانیان به این دین مبین، یکی از مهم ترین حوادث تاریخی، برای ملت ایران است. گرچه اسلام با شتاب خیره کننده ای در ایران پیش رفت؛ ولی حاکمیت عقیدتی اسلام بسیار آرام و ریشه دار صورت پذیرفت و توجه اسلام به حق و عدالتِ اجتماعی از مهم ترین عوامل گرایش ایرانیان به اسلام بود.

ایرانیان پس از گرایش به اسلام، روح و معنی اسلام را در خاندان اهل بیت علیهم السلام یافتند و با خاطره شیرینی که از حکومت عدل حضرت علی علیه السلام داشتند، تحققّ عدالتِ اجتماعی را در مکتب فرزندان او یافتند. آنان با مشاهده سجایای اخلاقی، علمی، دینی، سادگی و بی آلایشی اهل بیت علیهم السلام و شیعیان آنان، به مکتب تشیّع گرایش پیدا کردند و برخی جزء اصحاب ائمّه اطهارعلیهم السلام شدند که به مرور زمان بر تعداد آنان افزوده شد.(1)

امام محمدباقر علیه السلام با تأسیس اوّلین دانشگاه اهل بیت علیهم السلام، شاگردان و اصحاب بسیاری را تربیت کرد و صدها فارغ التّحصیل در موضوعات گوناگون به جامعه عرضه نمود. شیخ طوسی (ره) در رجال خود، اصحاب و شاگردان امام محمد باقر علیه السلام را 462 مرد و دو زن دانسته که در میان آنان برخی از نظر اعتبار و وثاقت مورد اتّفاق اهل سنّت و امامیّه اند و برخی از فقیه ترین فقیهان صدر اسلام محسوب می شوند. در این میان عدّه ای از ایرانیان افتخار شاگردی و ملازمت با ایشان را داشتند. گرچه نمی توان نام تمامی اصحاب ایرانی امام باقر علیه السلام را از منابع رجالی و روایی استخراج نمود؛ ولی سعی شده چند تن از یاران ایرانی امام پنجم را به طور مختصر معرّفی و خدمات آنها را ذکر نماییم.

**حمّاد بن ابی سلیمان**

ابو اسماعیل حمّاد بن ابی سلیمان، از ایرانیان مقیم کوفه است. پدرش فرمانروای اصفهان بود که در جریان فتح آن شهر در زمان خلیفه دوم به دست ابو موسی اشعری به همراه خانواده اسیر شد و سپس در حضور خلیفه دوم، اسلام آورد. وی از جمله ده موالی بود که معاویه در جریان جنگ صفّین به ابوموسی اشعری بخشید و ابوموسی او را به پسرش ابراهیم داد و ابراهیم او را آزاد کرد و سپس پدر حمّاد در کوفه ساکن گشت.(2)

ابوسلیمان در کوفه به زندگی جدید خود پرداخت و فرزندش را به تحصیل علم و دانش گمارد؛ به طوری که حمّاد در زمره دانش آموختگان مشهور کوفه قرار گرفت.

حمّاد پس از کسب علوم مقدّماتی، وارد دانشگاه امام باقر و امام جعفر صادق علیهما السلام شد و به حدّی در کسب دانش پیش رفت که دانشمندان اسلامی از وی به عنوان امام، مجتهد و فقیه یاد کرده اند و او را به کثرت حدیث توصیف نموده اند.

حمّاد پس از خدمات زیادی که در طول عمر خود انجام داد، در سال 120 ق. و در کهولت سن وفات یافت.(3)

**داوود بن ابی هند سرخسی**

داوود بن ابی عذافر قشیری سرخسی، اصالتاً خراسانی و اهل سرخس است. داوود از طریق خیّاطی یا فروش خز، گذران زندگی می کرد و در کنار آن به تحصیل علم و دانش نیز می پرداخت. او از اصحاب ایرانی امام محمد باقر علیه السلام است.(4) داوود در علم تفسیر از علمای مشهور عصر بود. او تفسیری داشت معروف به تفسیر ابن ابی هند(5) که اثری از آن نمانده است. علاوه بر آن، او فقیهی کامل بود که از دوران جوانی در زمان حسن بصری فتوا می داد. حماد بن زید می گوید: در فقه احدی را برتر از داوود ندیدم.(6) علمای اهل سنّت داوود را از راویان موثّق به شمار می آورند و علاّمه امینی وی را فردی دانسته است که همگان در ثقه بودنش اتّفاق نظر دارند.(7) داوود علاوه بر شهرت علمی، در زهد و تقوا نیز شهره بود. او چهل سال پنهان از دیگران، روزه گرفت؛ بدین ترتیب که به هنگام خروج از خانه، با تظاهر به نداشتن روزه، غذای خود را بر می داشت و به دنبال کسب روزی بیرون می رفت؛ ولی در بین راه، آن را به فقرا می داد و شب هنگام به خانه برمی گشت و افطار می کرد.

مرگ داوود در سال 140 ق. در راه مکّه اتّفاق افتاد.

**محمّد بن اسحاق**

محمّد بن اسحاق بن یسار بن خیار (ابوعبدالله) از موالیانی است که پدرانش از مسیحیانی بودند که در «نُفیره»، روستایی در حوالی عین التّمر زندگی می کردند و این منطقه، جزء ایران و از نواحی تابعه عصر ساسانی بود. خالد بن ولید پس از فتح این نواحی، یسار جدّ محمّد را همراه چهل تن دیگر به اسارت گرفت و به مدینه برد.

در سال 80 یا 85 ق. محمد در مدینه متولّد شد(8) و دوران کودکی و نوجوانی را در این شهر که مرکز عمده حدیثی بود، گذراند. وی سپس در 30 سالگی برای بهره گیری از اخبار سیره نویسان، به مصر رفت و پس از پیروزی عباسیان بر امویان، به عراق آمد و مدتی در کوفه و ری اقامت گزید. در زمان خلافت منصور، کتاب معروف خود مغازی را تألیف کرد و در میان مردم کوفه و سایر مناطق منتشر ساخت. کتاب سیره او اوّلین سیره نسبتاً جامعی است که به دلیل نظمِ منطقی موجود در آن، به عنوان نخستین کار اصیل در این زمینه شناخته شده است.

محمد بن اسحاق، محدّث و اوّلین سیره نویسی است که زندگانی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم را به رشته نگارش در آورده است. شیخ طوسی و برقی او را در شمار اصحاب امام باقر و امام صادق علیهما السلام نام برده اند(9) و برقی، پدرِ محمد بن اسحاق یعنی اسحاق را نیز از اصحاب امام باقر علیه السلام دانسته است.(10)

شیخ طوسی و کشّی او را از دوستداران و عاشقان اهل بیت علیهم السلام می دانند که در کتابش نیز احادیث بسیاری را در اثبات خلافت علی علیه السلام نقل نموده است؛ از جمله حدیث بلند «الجنان و النوق» را از امام باقر علیه السلام.

ابن اسحاق، حافظه بسیار قوی داشته و احادیث زیادی را حفظ بوده است و به خاطر حافظه بی مانند، او را «امیر المحدّثین» خوانده اند. او با نوشتن سیره یا مغازی، سنّت و احادیث پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را حفظ و در اختیار مسلمانان قرار داد. وی برای جمع آوری اخبار، به بصره، کوفه، مصر، بغداد، و ری سفرهای طولانی نمود. به جز کتاب مغازی یا سیره، چند کتاب به او منسوب است. از جمله: الفتوح، سیرالعرب، اخبار صفّین و حدیث المعراج و الاسراء.(11)

محمد بن اسحاق، عاقبت در سال 151 ق. در بغداد در گذشت و در مقابر خیزران دفن گردید.

پی نوشت ها:

1. خدمات متقابل اسلام و ایران، ص 112
2. راویان مشترک، ج 1،ص 262
3. تاریخ خلیفه، ص 275
4. رجال طوسی، ص 120
5. فهرست ابن ندیم، ص 36
6. راویان مشترک، ج 1، ص 300
7. الغدیر، ج 8،ص 318
8. سیر الاعلام النبلاء، ج 3، ص 5
9. رجال طوسی، ص 281 و 311
10. رجال برقی، ص10 و 20
11. دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، ج 3، ص 9

منبع: بخش تاریخ و سیره معصومین تبیان